

## بررسی نقش نورجیها در تجدید حیات اسلام در ترکیه

عزیز الله هزاره<sup>۱</sup>

دانشجوی دکترا اندیشه معاصر مسلمین مجتمع زبان، ادبیات و فرهنگ شناسی جامعه المصطفی (ص) العالمیه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۱ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۵

### چکیده

بررسی تاریخ حیات اسلام، گواه آن است که مسلمانان و جوامع اسلامی، پس از یک دوره طولانی تمدنی در صدر اسلام، همواره با فراز و فرودهایی مواجه بوده‌اند؛ در واقع، هرگاه حاکمان، عالمان و مردم به فرمان‌های الهی عمل کرده‌اند، در اوج قدرت و عظمت بوده و هرگاه از دستورات الهی غفلت ورزیده در حسیض ذلت و انحطاط دچار شده‌اند. البته در کنار این نباید از تلاشهای هدفمند دشمنان اسلام چشم پوشید، که از طرق گوناگون به دنبال تضعیف و حذف فکر و فرهنگ اسلامی از جوامع اسلامی بوده‌اند و می‌باشند. با این وجود، همواره انسانهای دلسوز و متعهد بوده‌اند که با تمام وجودشان برای حفظ، ترویج و تبلیغ معارف اسلامی کوشیده‌اند تا با بیان معارف اصیل اسلامی از یک سو، و روشن کردن توطئه‌های خصمانه دشمنان اسلام از سوی دیگر، مردم مسلمان را از جهل و غفلت رهایی بخشیده و معارف اصیل اسلامی را تعمیق و توسعه بخشند. از مجموعه‌ی این تلاشها به «احیای فکر دینی» یا «تجدید حیات اسلامی» تعبیر می‌شود. سعید نورسی و پیروان او (نورجیها) در کشور ترکیه، یکی از نمونه‌های بارز و برجسته‌ی این گونه انسان‌ها است که در این مقاله کوشیده‌ام، اندیشه‌های اصلاح‌گرایانه آنها را، با روش توصیفی-تحلیلی بررسی نمایم.

### واژگان کلیدی

سعید نورسی، نورجیها، تجدید حیات اسلام، ترکیه، طریقت نقشبندیه، فتح الله گولن، آتاترک.

## مقدمه

در مقاله پیش روی، نقش جریان «نورجیها» در تجدید حیات اسلام در کشور ترکیه، مورد بررسی قرار گرفته است. این جریان، یکی از مهمترین، ریشه‌دارترین و مؤثرترین جریان‌ها و گروه‌های اسلامی معاصر جهان اسلام می‌باشد. این جریان، به رهبری «سعید نورسی»، پایه‌گذاری گردید که خود یکی از فعالان و تربیت یافته طریقت «نقشبندیه» بوده است. گروه نورجی، از زمان شکل‌گیری به رهبری نورسی، همواره یکی از گروه‌های پویا و پیشرو در مبارزات و فعالیت‌های اجتماعی و اسلامی بوده است. این گروه، افزون بر فعالیت‌های اصلاح‌گرایانه فرهنگی و سیاسی، حتی برای دوره کوتاهی به دلیل احساس خطر از کیان اسلام، به مبارزات نظامی نیز می‌پردازد. این گروه، در دوره آتاترک و جمهوری ترکیه برای مدت کوتاهی از آن حمایت کرد؛ اما به دلیل رویکرد خصمانه‌ای که مصطفی کمال و دولت لائیک او بر ضد اسلام اتخاذ کرده بودند، نورجیها به رهبری نورسی به فعالیت‌های فرهنگی و اصلاحی شان ادامه دادند.

این گروه، با وجود همه مشکلات و موانعی که مصطفی کمال برای گروه‌های فعال در ترکیه به وجود آورده بود، هیچ‌گاه دست از مبارزه بر نداشت و حتی زمانی که حکم انحلال همه فرق‌ها و مصادره زاویه‌ها و تکیه‌ها را صادر کرد، گروه نورجی به فعالیت‌های مخفی خود ادامه دادند. نورسی در این دوره به تفسیر کردن قرآن و تربیت شاگرد روی آورد و کتاب «رسائل النور» را در همین زمان نوشت، کتابی که مبانی فکری گروه نورجی را تشکیل می‌دهد و پیروان نورسی آن را قطب‌نمای فعالیت‌های خویش پس از فقدان رهبر فقیدش قرار داده و رهنمودهای عملی خود را از آن برمی‌گیرند و در چارچوب آن عمل می‌کنند.



این جنبش، پس از دهه هفتاد میلادی به قدرت‌مندترین و کارآمدترین گروه در جامعه سیاسی و اجتماعی ترکیه تبدیل شد که دلیل اصلی آن در کنار آزادی نسبی، آن بود که آثار بنیانگذار جنبش، گفتمان سیاسی اسلامی را به طور غیر قابل حذف، با ایده‌های اصلی برای پرداختن به مشکلات سیاسی و اجتماعی مشخص نموده بود و تأکید و عمل رهروان رهبری پس از مرگ وی بر این گفتمان به آنها قدرت بخشیده و موجب گسترش‌شان گردید؛ به طوری که هم‌اکنون این گروه به رهبری «فتح‌الله گولن»، در ۱۵۰ کشور جهان فعالیت می‌کند و در میان مردم و به ویژه جوانان به تبلیغ و ترویج دین اسلام می‌پردازد و هدف اصلی این گروه در سراسر حیات تاریخی‌شان، تبلیغ و ترویج دین اسلام و حل مسائل جامعه اسلامی می‌باشد.

اما؛ با این وجود، هنوز این گروه در جهان اسلام چندان شناخته شده نیست و بطور بایسته و شایسته آن، به آن پرداخته نشده و معرفی نگردیده است. از این رو، در این مقاله، به بررسی نقش این گروه اسلامی پرداخته است. در این راستا، ابتدا درباره جغرافیای فرهنگی کشور ترکیه به دلیل اینکه چهار راه برخورد اندیشه‌ها و فرهنگ‌ها بین شرق و غرب است و در بررسی‌های جریان‌شناسانه‌ی فرهنگی نقش مؤثری دارد اشاره شده است، پس از آن درباره چگونگی ورود و رشد اسلام به ترکیه و عوامل انحطاط امپراطوری عثمانی پرداخته و سپس به آتاترک و دولت ملی ترکیه اشاره شده است. این اشارات همه به عنوان فراهم شدن زمینه بررسی و شناخت و معرفی بهتر نقش گروه نوری انجام شده است.

### کشور ترکیه؛ گذرگاه اندیشه‌ها و فرهنگ‌ها

موقعیت جغرافیایی کشور ترکیه، یک موقعیت خاص و راهبردی است. این کشور، در مرز میان قاره پهناور آسیا و قاره اروپا قرار گرفته است. جایگاه ترکیه در نقطه برخورد قاره‌ها، ویژگی‌ای خاص جغرافیایی این کشور را پدید آورده است. ترکیه، با قرار گرفتن در یکی از حسّاس‌ترین مناطق جهان، دارای موقعیت جغرافیایی



راهبردی است و گذرگاه جنوب باختر آسیا و اروپا به شمار می‌آید و کشورهای بسیاری، به ویژه ایران از خاک ترکیه برای ترانزیت کالا و انرژی استفاده می‌کنند. مرزهای کنونی ترکیه، در سال (۱۹۲۳) تثبیت شده‌اند. مساحت آن حدود (۷۸۰) هزار کیلومتر مربع است. به این ترتیب ترکیه به لحاظ مساحت سی و ششمین کشور جهان محسوب می‌شود. بیشترین فاصله شرق تا غرب ترکیه تقریباً هزار و ششصد کیلومتر و بیشترین فاصله شمال تا جنوب این کشور حدود هشتصد کیلومتر است (ابوک، ۱۳۸۴، ۱۱؛ مرادیان، ۱۳۸۵، ۲۷ و ۲۸).

کشور ترکیه را بیشتر با عنوان شبه جزیره آناتولی آسیا توصیف می‌کنند، همچنین این کشور با نام آسیای صغیر مشهور است. دریای سیاه در شمال، دریای اژه در غرب و دریای مدیترانه در جنوب این بخش از قاره آسیا واقع شده‌اند. با این که دریا ترکیه را از سه جهت در بر گرفته است؛ اما این کشور دارای مرز مشترک با هشت کشور دیگر است. ترکیه در قاره آسیا شش همسایه دارد: کشورهای گرجستان، ارمنستان و بخش کوچکی از آذربایجان در شمال شرقی ترکیه و کشورهای خاورمیانه‌ای ایران، عراق و سوریه در جنوب شرقی ترکیه واقع شده‌اند. سه درصد از خاک ترکیه در قاره اروپا قرار دارد، در شبه جزیره بالکان ترکیه با کشورهای یونان و بلغارستان از شمال غربی همسایه است. دریای مرمره این بخش را از شبه جزیره آناتولی جدا می‌کند (ابوک، ۱۳۸۴، ۱۲؛ مرادیان، ۱۳۸۵، ۳۸ و ۳۷).

کشور ترکیه، به دلیل جایگاهش در میان اروپا و آسیا چهار راه اندیشه‌ها و فرهنگ‌ها است. در واقع، ترکیه به خاطر این موقعیت ویژه، یکی از گذرگاه‌های نفوذ و گسترش فرهنگ اسلام و ترک به غرب و برعکس فرهنگ غرب به جهان اسلام می‌باشد. مسافران از هر قاره به ترکیه وارد می‌شدند، برخی از آنان هزاران سال در این سرزمین سکونت کردند و برخی دیگر موجب بروز کشمکش و دگرگونی‌های اجتماعی هزاران ساله شدند. مهاجمان، پناهندگان و مهاجران یکی پس از دیگری از



شرق و غرب به این سرزمین آمدند. برخی گروه‌ها تنها مدت کوتاهی در ترکیه ماندند، در حالی که دیگران در ترکیه ماندگار شدند و زبان و فرهنگ خود را بر ساکنان محلی این سرزمین تحمیل کردند. برخی از امپراتوری‌ها صدها سال بر این سرزمین حکومت کردند؛ اما حتی نیرومندترین امپراتوری سرانجام با ورود موج بعدی مهاجمان شکست را پذیرفت. به همین خاطر کشور ترکیه، به دلیل گذگاه برخورد اندیشه‌ها و فرهنگ‌های پی در پی توسط امپراتوری‌ها از غرب و شرق تحت تاثیر قرار گرفته است (ابوک، ۱۳۸۴، ۲۹).

### ۱. طلوع خورشید اسلام در ترکیه و شکل‌گیری امپراتوری عثمانی

با هجوم سلجوقی‌ها به ترکیه، در آغاز قرن یازدهم، دین اسلام وارد ترکیه شد، ترک‌های چادرنشین آسیای مرکزی با دیگر اقوام چادرنشین آسیای مانند: هون‌ها و مغول‌ها، هم‌نژادند. با پیوستن و یا مهاجرت ترکمن‌ها به ترکیه قدرت و نفوذ ترک‌های مسلمان بیشتر شد. در سال (۱۰۷۱) ترکان سلجوقی در نبرد ملازگرد، در نزدیکی دریاچه وان در شرق ترکیه، نیروهای بیزانس را شکست دادند. با شکست نیروهای بیزانسی فلات مرکزی بی‌دفاع ماند و ارتش ترک به آناتولی وارد شد. در سال (۱۰۷۸) آنها به نزدیکی قسطنطنیه رسیدند (ابوک، ۱۳۸۴، ۳۴؛ شکر، ۱۳۸۵، ۳۹ و ۴۰). بدین ترتیب، قدرت سلجوقی‌های مسلمان گسترش یافت و شعاع خورشید جهان‌تاب اسلام مرزها را در نور دیده و اشاعه یافت.

هرچند در سال (۱۰۹۵) در اولین جنگ صلیبی امپراتوری بیزانس یک سوم از آناتولی را باز پس گرفت. اما سلجوقی‌ها قدرت را در فلات مرکزی در دست داشتند و در مدت بیش از یک قرن فلات مرکزی پیشرفت کرد. سلاطین به ساختن جاده‌ها، پل‌های سنگی و مجموعه‌ای از مسافرخانه‌ها با نام کاروان‌سرا اقدام کردند. در میان حاکمان اولیه سلجوقی، قلیچ ارسلان دوم، شخصی با اراده، باریک‌بین، سیاستمدار و روشن‌فکر بود که با اتخاذ سیاست درست موفق به حفظ موجودیت خود در مقابل



دشمنان نیرومند گردید و تقریباً تمام سی و هفت سال سلطنتش صرف جنگ و جدال شد (حقی، ۱۳۸۰، ۲ و ۳؛ ابوک، ۱۳۸۴، ۳۵).

به هر صورت، مبارزات سهمگین و طولانی ترک‌های مسلمان سلجوقی و بعد عثمانی و توسعه دامنه قدرت و عظمت آن در حدی بود که بیش از شش قرن به درازا کشید و دارای فراز و نشیب‌های فراوانی است.

## ۲. علل رشد و گسترش اسلام و دولت عثمانی

علل رشد و گسترش اسلام و دولت عثمانی، نفوذ اسلام در دل مسلمانان و قدرت بسیج آن برای جهاد و شهادت در راه اعتلای کلمه توحید و مبارزه با غیر مسلمانان و همچنین شجاعت، جوان‌مردی، رفتار انسانی و مداراگونه حاکمان و سلاطین عثمانی و همچنین عساکر آنان با مردم و مناطق فتح شده بود. دولت مردان عثمانی در ابتدای حکومت و اقتدارشان رفتارشان بسیار حکیمانه و ملهم از رفتار پیشوایان اسلام بود و علاوه بر این مسلمانان بدون تبعیض و تعصب سعی در آبادانی تمام مناطق تحت نفوذشان داشتند و مواسات اسلامی را رعایت می‌کردند، تا آنجا که بعضی از مسیحیان مناصب مهم نظامی و سیاسی در دولت عثمانی داشتند (شمس‌الدین نجم، ۲۰۱۰، ۲۷-۲۷۹-۲۸). این سلوک و رفتار انسانی و اسلامی مسلمانان و در یک کلام عمل به دستورات اسلامی باعث قدرت و هیمنه روز افزون آنها شده بود؛ تا حدی که قدرت‌های دیگر، مخصوصاً جهان مسیحی و اروپائیان جرأت مقابله با آن را نداشتند.

## ۳. عوامل انحطاط مسلمانان و دولت عثمانی

به طور طبیعی، هر حکومت و انقلاب مانند هر پدیده دیگر پایانی دارد، بعضی از آنها زودتر و بعضی دیگر از آنها - اگر به آرمانها و اهداف اولیه انقلاب و مکتب‌شان پای‌بند باشند - دیرتر دوام می‌آورد اما بالاخره پایان خواهد یافت. امپراتوری عثمانی نیز از حکومت‌هایی بود که بعد از حدود هفت قرن حکومت و فرمان‌روائی در مناطق



گسترده آسیا و اروپا از بین رفت، اما نابود شدن چنین امپراتوری عظیم و قدرت‌مند دلایلی دارد؛ که به طور کلی می‌توان به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم و بیان نمود:

### الف: عوامل داخلی

حاکمان عثمانی، بعد از مدتی دچار انحرافات در شیوه حکومت‌داری و رفتار اسلامی و انسانی شدند که به مرور باعث تنزل جایگاه و موقعیت‌شان میان مردم و مسلمانان گردید، سلطان یا حاکم در دولت‌های عثمانی حاکم مطلق بود و با توجه به چنین قدرت و جایگاه، کفایت و مهارت‌های سلطان باعث می‌شود که امور به درستی انجام پذیرد. این در حالی است که بعد از مدتی اکثر حاکمان عثمانی، مهارت کافی برای حکومت و کنترل اوضاع نداشتند، مخصوصاً حاکمان و سلاطینی که بعد از سلطنت سلیمان قانونی به قدرت رسیدند، علاوه بر ضعف شخصیتی و کمی سن‌شان، اداره امور نظامی و دیوانی را ترک کرده بودند و به اسراف، رفاه‌زدگی و عیاشی دچار شده بودند. نوئل باربر، نویسنده کتاب «فرمانروایان شاخ زرین» درباره‌ی انحطاط امپراطوری عثمانی می‌نویسد: «مقامات عالی دولتی وسیله‌ی مال‌اندوزی شده بودند. شگفت آن‌که این وضع تا قرن بیستم ادامه داشت. دیگر صحبت از یکی دو سلطان نالایق که در هر سلسله‌ای وجود دارد، نبود بلکه انحطاط به صورت یک خط مستمر درآمده بود» (ابوک، ۱۳۸۴، ۴۳، ۴۴؛ <http://porsesh-garan.com>).

درواقع، می‌توان گفت: بعد از سلطان سلیمان به جز افراد معدودی، بقیه‌ی سلاطین عثمانی، ضعیف و فاقد صلاحیت‌های لازم برای فرمانروایی بودند. این وضعیت اسفبار از زمان سلطنت سلیم دوم (۱۵۶۶-۱۵۷۴) شروع شد و به مرور حکومت و قدرت به دست وزرا و صدر اعظم‌های فاسد افتاد. این وضعیت باعث شد که در جنگ لیپانتو در سال (۱۵۷۱) نیروهای دریایی عثمانی شکست سختی بخورند و هیمنه و قدرت افسانه‌ای آن در نزد اروپائیان از بین برود. (شمس‌الدین نجم، ۲۰۱۰، ۲۷۲ و ۲۷۳).



در کنار ضعف حاکمان و فساد درباریان، وضعیت بد اقتصادی و معیشتی مردم، سلطه‌ی بیش از حد علمای دینی و دخالت و سخت‌گیری آنها در امور دینی و زندگی مردم روز به روز اوضاع را بر مردم و ملت سخت‌تر می‌کرد که باعث عصیان و شورش در بعضی مناطق علیه امپراتوری می‌شد (شمس‌الدین نجم، ۲۰۱۰، ۲۸۰-۲۸۱-۲۸۳).

### ب: عوامل خارجی

امپراتوری عثمانی، بخاطر قدرت روز افزونش جهان را به وحشت انداخته بود، به همین دلیل سایر قدرت‌ها و حاکمان جهان سعی در نابودی و تضعیف آن داشتند. اروپا و جهان مسیحیت، روسیه و دولت صفوی از جمله دشمنان سرسخت آن بودند که تمام تلاش خود را برای نابودی امپراتوری عثمانی بکار می‌گرفتند.

همان‌طور که اشاره شد، امپراتوری عثمانی بخاطر عدم کفایت حاکمان و فساد داخلی رو به ضعف بود و برخلاف آن اروپائیان و روسیه بخاطر دستیابی به تکنولوژی و تسلیحات جدید و نظم و انضباط نظامی و دریایی هر روز بر قدرت اقتصادی و نظامی آن افزوده می‌شد، قسمی که کشور پرتغال از طریق قدرت دریایی خود، امپراتوری عثمانی را به محاصره دریای و اقتصادی درآورد و ضربه مهلک به اقتصاد و قدرت نظامی آن وارد نمود. از طرف دیگر، دخالت‌های دولت صفوی در امور داخلی دولت عثمانی بخاطر شیعیان و علویان نگرانی عثمانی‌ها را بیشتر می‌نمود و این وضع ادامه داشت تا این که در معاهده قصر شیرین (۱۶۳۹) حدود و مرزهای نهایی میان دو دولت عثمانی و صفوی به امضاء رسید (شمس‌الدین نجم، ۲۰۱۰، ۲۹۰-۲۹۱).

به مرور زمان دخالت‌های روسیه و اروپا نیز در امور داخلی امپراتوری عثمانی بیشتر می‌شد و حتی سعی داشتند که از حاکمان و نظامیان مسیحی که در خدمت دولت عثمانی بودند به عنوان جاسوس استفاده کنند. (شمس‌الدین نجم، ۲۰۱۰، ۲۹۲).

### ۴. آتاترک و شکل‌گیری کشوری به نام ترکیه





آتاترک، در (۱۸۸۰/۱/۱) در سالونیک، در خانواده مسلمان ترک زبان متولد شد. پدر آتاترک علیرضا کارمند جزء دولت و اسم مادرش زبیده بوده است. پدر علیرضا، فردی به نام احمد شخص باسواد و حافظ قران بوده است و خود علیرضا نیز لقب افندی (یعنی شخصی باسواد) را داشته است و سنت تعلیمات دینی و اسلامی در این خانواده شایع و برقرار بوده است و آتاترک در چنین خانواده مذهبی و احتمالاً از اجداد آلبانیایی و اسلاوها به دنیا آمد (مانگو، ۱۳۹۴، ۵۴).

حاکمان متأخر عثمانی بخاطر حس برتری طلبی، نگاه تحقیرآمیزی به دیگران و مخصوصاً به جنبش انقلابی و آتاترک و همکارانش داشتند. آخرین سلطان عثمانی، براساس چنین خصوصیتی بود که در مورد زادگاه مصطفی کمال و همکارانش، در مقابل سفیر بریتانیا سرهوریس رمبولد می گوید: «رهبران آنکارا مردانی بودند که هیچ پایگاهی در کشور نداشتند، آنان نه رابطه خونی و نه هیچ رابطه دیگری با کشور نداشتند. (جی شاو و کورال شاو، ج ۲، ۱۳۷۰، ۵۹۳).

مصطفی کمال، در دوازده سالگی وارد دبیرستان نظامی شد و بعد از فارغ التحصیلی وارد ستاد ارتش امپراتوری گردید. وی فعالیت سیاسی خود را با انتشار روزنامه دست‌نویس به صورت مخفی در زمان دانشجویی‌اش در استانبول آغاز نمود و به خاطر همین مسئله مدت کوتاهی زندانی شد. ستاد ارتش امپراتوری، مصطفی کمال را پس از پایان تحصیلات نظامی‌شان به مدت دو سال به دمشق اعزام کرد. و جمعیت انقلابی «وطن و آزادی» را تأسیس می‌کند. او، بعد از بازگشت از دمشق به زادگاهش سالونیک در سال (۱۳۲۵ هـ ش) برابر با (۱۹۰۷ م)، شاهد جریان مشروطیت، احیای مجلس و قوت گرفتن حزب ترکان جوان بود. در تحولات بین سالهای (۱۹۰۷ تا ۱۹۱۵)، مصطفی کمال با قبول مأموریت‌های در آلبانی، لیبی، بلغارستان و رهبری سپاه از سالونیک به استانبول و موفقیت‌هایش در این مأموریت‌ها او را به یک نظامی و افسر موفق و قابل اعتماد در امپراتوری بدل نمود (ابوالقاسمی و اردوش، ۱۳۷۸، ۲۸ و ۲۹؛ جی شاو و کورال شاو، ج ۲، ۶۲۱).



مصطفی کمال، در پیروزی که علیه نیروهای متفقین در شبه جزیره گالیپولی در سال (۱۹۱۵) بدست آورد به یک قهرمان ملی بدل شد. در این جنگ که متفقین تلاش داشتند از طریق دریا و خشکی به امپراتوری عثمانی حمله کنند و مناطق مهم و راهبردی مثل تنگه داردانل را بگیرند و امپراتوری عثمانی را مجبور کنند تا از جنگ دست بکشد، شکست بسیار سخت و سهمگین خوردند و مصطفی کمال با رشادت‌هایش سهم بزرگی در این پیروزی‌ها داشت. این جنگ با عقب نشینی بریتانیا در سال (۱۹۱۶) پایان یافت هرچند در جبهات دیگر وضع به نفع عثمانی نبود (ابوک، پیشین، ۵۹).

متفقین، پنهانی توافق کرده بودند که در صورت پیروزی امپراتوری عثمانی را میان خود تقسیم کنند. پس از آتش بس بریتانیا استانبول، تراکیه و داردانل را اشغال کرد و سربازان بریتانیایی، فرانسوی و ایتالیایی وارد آناتولی شدند و سلطان محمد ششم مجبور شد پیمان صلح را امضا کند. اما بسیاری از مردم ترکیه خواستار خروج نیروهای خارجی از کشورشان بودند، لذا ترک‌های مبارز به رهبری مصطفی کمال قهرمان جنگ گالیپولی، جنبش مقاومت تشکیل دادند. آنان پیمان صلح سور (۱۹۲۰) را نپذیرفتند و مجلس ملی تشکیل داده و مصطفی کمال به عنوان رئیس مجلس انتخاب شد و نام کشور را ترکیه گذاشتند. مصطفی کمال، بعد از ریاست مجلس ملی عنوان فرمانده کل قوا را از آن خود نمود. (جی شاو و کورال شاو، ج ۲، ۱۳۷۰، ۶۰۱) وی توانست از طریق سیاست و زیرکی از میرا از یونانیان باز پس گرفته و آناتولی را از وجود اشغال‌گران پاک نماید. در اثر این مبارزات، پیمان سور هم از میان رفت و در کنفرانس صلح جدید، دولت در آنکارا از موضع قدرت وارد مذاکره گردید و در نتیجه، بیشتر از آنچه می‌خواست (استانبول، تراکیه و داردانل) به دست آورد (ابوالقاسمی و اردوش، ۱۳۷۸، ۳۲؛ ابوک، ۱۳۸۴، ۶۳؛ جی شاو و کورال شاو، ج ۲، ۱۳۷۰، ۶۰۲ و ۶۰۶).



## ۵. اقدامات آتاترک بعد از به قدرت رسیدن

آتاترک، برای تبدیل امپراتوری عثمانی به یک کشور مستقل و مبتنی بر ملی‌گرایی به نام ترکیه، به اقداماتی دست زد، که موارد زیر از عمده‌ترین آنها می‌باشند:

### الف: تثبیت قدرت از طریق تفکیک سلطنت از خلافت

آتاترک، در اولین اقدام از طریق مجلس ملی سلطنت را از خلافت تفکیک نمود و از این طریق مشروعیت خلافت را که در واقع منبع قدرت آن به شمار می‌رفت، از آن گرفت (قدیمی قیداری، ۱۳۹۲، ۷۲-۸۸). از این پس، خلیفه، به عنوان یک شخص محترم و مذهبی توسط مجلس ملی تعیین می‌شد. با تصویب این قانون، از تمامی طبقات حاکمه عثمانی که موقعیت آنها را سلطان تعیین می‌کرد خلع ید و قدرت شد، و آنها تمامی درجات و وظایف شان را از دست دادند. (جی شاو و کورال شاو، ج ۲: ۱۳۷۰، ۶۰۹). مصطفی کمال، بعد از تضعیف موقعیت سلطان، مجلس را وادار کرد کشور را به جمهوری تغییر نام دهد و خودش رئیس‌جمهور و رئیس قوا شد. وی بعد از تکیه زدن به مقام ریاست جمهوری، کردها را بعد از شعار دادن علیه وی قتل عام نمود و ۱۶ تن از سران کرد را بوسیله قاضی بلدعلی به دار مجازات آویخت. کمال، به این هم اکتفا نکرد و تمام کسانی را که با فکر و عمل وی مخالف بود از میان برداشت؛ حتی نزدیک‌ترین و صمیمی‌ترین دوست دوران جوانی خود سرهنگ عارف را نیز از سر راه برداشت (لویز، ۱۹۶۸، ۲۷۵-۲۷۶؛ باربر، ۱۳۹۱، ۲۶۷).

### ب: کشف حجاب

آتاترک، بعد از تثبیت قدرت، سعی نمود به تدریج مظاهر دینی و اسلامی را از مردم مسلمان ترکیه بگیرد و هویت اسلامی ترکی را از بین ببرد. او، این مسئله را از لباس شروع نمود. ابتدا از عمامه مردان (فینه) شروع کرد و آن را تبدیل به کلاه لبه‌دار غربی نمود او، کلاه لبه‌دار اروپایی را به عنوان جایگزین معرفی می‌کرد. برای ترویج آن میان مردم، از تعبیرهای مثبت چون "سرپوش آفتاب‌گیر" استفاده کرد. او، پوشیدن



قبا و نشانه‌های مذهبی را برای غیر از مفتی‌ها، پیش نمازها، روحانیون و مبلغان منصوب دولت در روستاها ممنوع نمود. کارکنان دولت موظف به پوشیدن کت و شلوار شدند. زنان تشویق به ترک چادر می‌شد، در مدارس دولتی و دانشگاه‌ها و خدمات کشوری و مشاغل آزاد، زنان براساس حقوق مساوی بامردان و باپوشش غربی به عنوان لباس رسمی در مجلس ملی تصویب شد (پور محمد املشی و محمدی، ۱۳۹۴، ۹۹-۱۱۷).

مصطفی کمال، برای کشف حجاب زنان تلاشها و سخنرانی‌های فراوانی کرد، گاهی زنان را تشویق به پوشیدن لباس‌های جدید اروپایی می‌کرد و گاهی هم سخنان تحقیرآمیز در باره لباس‌های سنتی و محلی زنان می‌زد. او، در جای چنین گفته است: «در بعضی نقاط زنانی دیده‌ام که تکه پارچه یا حوله یا چیزی شبیه به آن را برای پوشاندن سر و صورت خود بر سر می‌گذارند و هنگامی که مردی از کنارشان رد می‌شود خود را پشت دیوارها مخفی می‌کنند... معنای این حرکات و رفتارهای عجیب چیست؟ آقایان محترم! آیا مادران و دختران یک ملت متمدن دست به چنین حرکات عجیبی می‌زنند؟ حرکاتی که نشان از توحش دارد. ما باید برای این مشکل هرچه زودتر چاره‌ای بیندیشیم» (لویز، ۱۹۶۸، ۲۷۱؛ انتخابی، ۱۳۹۲، ۲۱۵).

### ج: دین‌زدایی

مصطفی کمال، برای رسیدن به اهدافش و مدرن و اروپایی کردن کشور سعی در زدودن دین و آثار دینی و شرعی از زندگی مردم و جامعه ترکیه نمود. همان طور که اشاره شد ابتدا این مسئله از پوشش مردم مخصوصاً کشف حجاب زنان شروع کرد؛ اما بعد پا را فراتر گذاشت و زبان اسلامی و عربی را ممنوع اعلام کرد و بجای آن زبان ترکی با الفبای جدید لاتین را جایگزین نمود. عبارات عربی و دینی را از نماهای بیرونی ساختمان‌های عمومی پاک نموده و کاربرد آنها را در بناهای خصوصی ممنوع کرد.



تغییر زبان عربی و زدودن آن از زندگی مردم مسلمان ترکیه، یعنی محو و نابود کردن فرهنگ و هویت دینی و اسلامی آنها؛ زیرا مسلمانان تحت رهبری و قیادت سلاطین عثمانی بیش از شش قرن با این زبان، فرهنگ و هویت زندگی کرده بودند و تاریخ، هویت و شخصیت‌شان با این زبان و فرهنگ شکل گرفته بود. مصطفی کمال، به درستی می‌دانست و یا شاید به ایشان تفهیم شده بود که اگر بخواهد یک دولت لائیک و به اصطلاح مدرن اروپایی داشته باشد، باید زبان عربی که زبان اسلام و قرآن است را از زندگی مردم بزداید.

همچنین آتاترک، همه مقام‌های مهم مذهبی، مثل شیخ الاسلام و ... که بر امور مذهبی و دینی نظارت داشتند را ممنوع نموده و آنها را تحت امور دولتی درآورد (آتام و مهدوی، ۱۳۹۳، ۱۲۳-۱۴۵). بدین سان هر چه مربوط به دین و شریعت می‌شد را از میان برداشت و استفاده از آنها را جرم تلقی می‌کرد. به همین دلیل، به تدریج دین و مسائل دینی از زندگی مردم محو شد، مخصوصاً در نسل‌های بعد از آتاترک این مسئله بسیار ملموس بوده و به وضوح قابل مشاهده می‌باشد.

به هر صورت، آتاترک و هم‌فکرانش، نه تنها نظام امپراتوری عثمانی را تبدیل به نظام ترک کرد و نام جمهوری ترکیه را بر آن نهاد؛ بلکه فرهنگ لائیک را نیز جایگزین فرهنگ اسلامی نمود.

#### ۶. جریان فرهنگی و سیاسی صوفیه، طریقت نقشبندیه

همان‌طور که قبلاً بیان شد، کشور ترکیه، از نظر جغرافیایی از ویژگی خاصی برخوردار بوده و در واقع، چهار را برخورد فرهنگ‌ها و اندیشه‌ها بوده و می‌باشد. در تاریخ حیات معاصر این بخش از کره خاکی، همانند کل حیات تاریخی آن، در کنار گروه یا جریان فرهنگی و سیاسی سکولاریزم، گروه‌ها و جریان‌های فرهنگی و سیاسی رقیب حضور داشته و دارند که در تقابل و تضاد با آن بوده و می‌باشند و بیشتر ماهیت و هویت دینی دارند و بر بازگشت به حیات اسلامی تأکید می‌ورزند. یکی از گروه‌ها و جریان‌هایی که به شدت برای مصطفی کمال و جریان حاکم درد سرساز شده و سد



راه رسیدن به آرمان‌های او بود، گروه‌های صوفی مسلک و دراویش مختلف مخصوصاً فرقه «نقشبندیه» بود. در واقع، همچنان‌که بیان شد، دولت مصطفی کمال، در راه تکوین و تحکیم دولت ملی، عناوین علمای درباری را سلب کرد و مراکز مذهبی آنها را تعطیل نمود، بدین ترتیب آنها را خلع سلاح نموده و تمام قدرت و شوکت مالی و اجتماعی آنها را گرفت؛ زیرا آنها وابسته به همین عناوین، مراکز و حقوق بودند؛ اما دراویش و صوفی مسلکان چنین وابستگی به دولت و حتی سلاطین عثمانی نداشتند، بلکه زندگی بسیار ساده و معنوی داشتند، به همین دلیل به صورت شگفت‌آوری مورد اعتماد مردم بودند و در نتیجه، به رغم تغییر دولت و قوانین، استقلال خود را حفظ کرده و از قدرت و نفوذ بالایی برخوردار بودند. درست به همین دلیل هم همواره به عنوان خطرناک‌ترین دشمن حکومت محسوب می‌شدند. نفوذ آنها میان مردم و سرسپردگی و اطاعت بی‌چون و چرای مریدانش از علما و دراویش طریقت، اقتدار دولت را به چالش می‌کشید. مصطفی کمال، این نوع سرسپردگی را خرافه‌پرستی می‌دانست و بعد از شورش دراویش نقشبندی و قادری در نواحی کرد نشین، آنها را به شدت سرکوب کرد و اعلام نمود که در جمهوری ترکیه جای برای شیخ، درویش، مرید، خلیفه، و... وجود ندارد و دادگاه ویژه جمهوری حکم انحلال همه فرقه‌ها و مصادره زاویه‌ها و تکیه‌ها را صادر کرد (حیدر زاده نائینی، ۱۳۸۰، ۶۶؛ مانگو، ۱۳۹۴، ۷۱۲؛ انتخابی، ۱۳۹۲، ۲۱۷؛ ابوک، ۱۳۸۴، ۶۵).

در واقع، آتاترک و همفکرانش، خرافه‌پرستی را بهانه سرکوب‌شان قرار دادند؛ اما در حقیقت، آنها از خطر نفوذ و قدرت معنوی آنها در هراس بودند و لذا به همین بهانه آنها را به شدت و خشونت سرکوب کردند. اما؛ همان‌طور که اشاره شد، در میان جریانهای فرهنگی و سیاسی دراویش مسلک، جریان نقشبندیه، یک جریان فعال بوده و می‌باشد. به همین دلیل و نیز به دلیل اینکه جریان نورجیها به رهبری سعید نورسی،



یکی از شاخه‌های اصلی و توسعه یافته جریان نقشبندیه می‌باشد، توضیح جنبه‌های مهم آن ضروری می‌نماید.

## الف: چگونگی شکل‌گیری جریان نقشبندیه و موقعیت اجتماعی آن در ترکیه

طریقت «نقشبندیه»، یکی از مهمترین جماعت‌ها یا طریقت‌های مذهبی در آسیای صغیر یا آناتولی، است. این طریقت از جمله سلسله‌های طریقتی می‌باشد که در سراسر کشورهای اسلامی شهرت زیادی داشته است و نام آن برگرفته از نام خواجه بهاء‌الدین نقشبند متوفی (۷۹۱)، می‌باشد. البته مسأله نقش طریقت‌های مذهبی و میزان نفوذ آنها در جامعه و حتی بر امرا و سلاطین مربوط به زمان حاضر نیست، بلکه از دوران عثمانی اهمیت آن برای سیاستمداران کشور شناخته شده بود. اهمیت این نقش، به حدی بود که سلاطین عثمانی سعی داشتند تا با آنها روابط دوستی و خویشاوندی برقرار کنند؛ زیرا سلاطین از نفوذ آنها میان مردم مسلمانان به خوبی آگاه بودند (نادر زاده، ۱۳۹۳). طریقت نقشبندیه بخاطر ارتباط نزدیک و گسترده‌شان با تیموریان، همراه سپاه آنان به آناتولی وارد شدند، و توانستند با گذشت زمان با مردم مسلمان عثمانی ارتباطشان را مستحکم کرده و بر آنها تأثیر بگذارند. (حیدرزاده نائینی، ۱۳۸۰، ۱۶۹). گروه نقشبندیه در کنار سایر گروه‌های تصوف فعالیت و تلاش دینی و مذهبی خود را ادامه دادند، به مرور نفوذ و شهرت‌شان میان مردم بیشتر می‌شد به حدی که حاکمان و سلاطین نمی‌توانستند قدرت و نفوذ آنها را نادیده بگیرند. این روند تا اواخر امپراطوری عثمانی با قدرت ادامه داشت.

## ب: توسعه موقعیت اجتماعی جریان نقشبندیه به عنوان یک جریان جهانی

این گروه متصوفه، از قرن نوزدهم میلادی بصورت یک سازمان برای بسیج مسلمانان ترکیه و سراسر جهان اسلام در آمد. نقشبندیه، نقش مهمی در ترویج اسلام میان ترکان، هندوان و اقوام بالکان داشته است و امروزه نیز از مطرح‌ترین طریقت‌های

تصوف محسوب می‌گردد ( ابوالقاسمی و اردوش، ۱۳۷۸، ۱۵۴؛ حیدرزاده نائینی، ۱۳۸۰، ۱۶۴).

### ج: ویژگیهای جریان نقشبندیه

طریقت «نقشبندیه» به صورت فعال در عرصه حیات اجتماعی، شرکت داشته و ارتباط با حاکمان را در صورت مصلحت خلق واجب می‌داند. یکی از ویژگیهای خاص این طریقت اهمیت دادن به امر به معروف و نهی از منکر و نشاط در اجرای قوانین و مقررات شریعت می‌باشد. این گروه، به دلیل داشتن همین ویژگی، بیش از سایر طریقت‌ها مورد خشم کمالیست‌ها بوده است. یکی از قوانین شریعت که این طریقت آن را با کمال میل و شادابی اجرا می‌کرد جهاد در راه خدا بود، چنانچه شیخ شامل شیخ طریقت نقشبندیه در داغستان، به دعوت مصطفی کمال غازی علیه تجاوز روسیه تزاری در قفقاز قیام کردند. اما زمانی که مصطفی کمال از لباس غازی بودن بیرون آمد و جامه آتاترک را به تن نمود و شروع کرد به اسلام ستیزی و دین‌زدایی بازهم این شیوخ نقشبندیه بودند که علیه او اعتراض و حتی قیام کردند و اختلاف شدیدی میان نقشبندیه و کمالیست‌ها ایجاد شد. یکی از شیوخ و عالمان نقشبندیه که بسیار فعال بود و تمام زندگی اش را وقف احیاء تفکر دینی و اسلامی نمود بدیع الزمان معروف به سعید نوری است. ( کالابرو، ۲۰۱۷-۲۰۱۴، ۸۱؛ ابوالقاسمی و اردوش، ۱۳۷۸، ۱۵۹-۱۵۷)

### ۷. سعید نوری و پیروان او ( نورجیها)

همان‌طور که بیان شد، «سعید نوری»، یکی از شیوخ بسیار فعال طریقت نقشبندیه و از رهبران برجسته‌ای این جریان اصلاحی مذهبی است که به جریان «نورجیها» شهرت یافته است. از این‌رو، جهت بررسی نقش جریان نورجیهای پیرو نوری، از بررسی جنبه‌های زندگی نوری رهبر فقید این گروه شروع می‌کنیم

### الف: ویژگی‌های خانوادگی نوری



سعید نورسی معروف به بدیع الزمان، یک شخص فقیه، فیلسوف و عالم وارسته، متعهد و متدین گرد اهل ترکیه است. اما؛ آن چنان که درباره او نقل شده است، حاکی از آن است که او می‌بایست یک چنین شخصیتی بزرگ و از بدایع زمانش بشود. سعید نورسی، در روستای «نورس»، یکی از روستاهای بخش اسپارت از توابع استان بتلیس، دیده به جهان گشود. تولد وی در خانواده و جامعه‌ی رخ داد که دارای ریشه‌های عمیق اسلام صوفی بوده، و مهمترین آموزش‌های ابتدای سعید نورسی روش آموزش صوفی نقشبندی بوده است ( یاووز، ۲۰۰۳، ۱۵۲؛ کالابرو، ۲۰۱۷-۲۰۱۴، ۱۱۰).

خداوند نعمتهای فراوان، از جمله پدر و مادری خدا پرست و مسلمان را به این نوزاد عطا فرموده بود. پدرش میرزا که مردم به خاطر عبادت و خداپرستی فراوانش او را صوفی میرزا می‌گفتند و مادرش بانو نوریّه نمونه یک مادر مؤمنه بود. در باره تقوا، پاکدامنی و ورع والدین سعید فرموده اند: «عند ما كان يعود بماشيته في المساء من المراعى الى القرية كان يشد أفواها لئلا تأكل من بساتين و مزارع الآخريين، و حكي عنه أيضا أنه لم يطعم أولاده حراما قط، و كانت مهنته الفلاحة، و تربيته الأغنام و الماشية، أما والده الأستاذ النورسي فكانت تسمى (نوري) بالإماله، و يصل نسبها من جهة الأب إلى سيدنا الحسن بن علي رضي الله عنهما، و من جهة الأم إلى الإمام الحسين بن علي رضي الله عنهما، و هي أيضا كانت علي جانب كبير من الورع و التقوى، و قد سئلت ذات يوم عن سبب الذكاء الحاد عند اولادها؟ فأجابت: لم أفارق صلاة التهجد طول حياتي إلا الأيام المعذورة شرعا، ولم أرضع أولادي إلا على طهر و وضوء» (سعید سمو، ۲۰۰۸، ۶۶؛ عويس، ۲۰۰۳، ۷).

سعید، از کودکی فردی کنجکاو، باهوش و متفاوت از سایر کودکان هم سن و سالش بود. او، همیشه سعی داشت چیزهای جدید یاد بگیرد، تلاش و کوشش وی در کنار هوش و استعداد فوق العاده و نبوغ ذهنیش باعث شد که بتواند در هجده سالگی به مرحله اجتهاد در علوم دینی و اسلامی برسد و بر علوم جدید، مثل ریاضی،



فزیک، شیمی و .... تسلط کامل پیدا کند و عنوان «بدیع الزمان» را در سن جوانی از آن خود کند.

### ب: ویژگی‌های شخصیتی و روحی نرسی

سعید نرسی، در کنار داشتن هوش و نبوغ ذهنی و توانای علمی از ویژگی‌ها و خصوصیت‌های خاص روحی و شخصیتی نیز برخوردار بوده است. یکی از ویژگی‌ها و خصوصیت‌های مهم نرسی، داشتن روحیه ورع، پارسایی، قناعت‌پیشگی و بی‌اعتنایی نسبت به زر و سیم و قدرت و شوکت دنیوی بود. ایشان، تا آخر عمرش از کسی چیزی نخواست و حتی از کسی هدیه قبول نکرد (ابوحلیوه، ۲۰۱۰، ۲۸).

سعید نرسی، افزون بر داشتن ویژگی‌های فوق، دارای روحیه و شخصیت بسیار شجاع و ترس بود و در مقابل افراد ظالم و مستبد بدون کوچک‌ترین ترس و واهمه‌ای می‌ایستاد. او، بخاطر همین خصوصیاتش میان مردم و علما از شهرت و محبوبیت زیادی برخوردار بود. (واحد، ۲۰۰۷، ۳۹).

سعید نرسی، این روحیه ظلم‌ستیزی و مبارزه با انحرافات دینی و اخلاقی را، در کنار دیگر خصوصیات نیکوی‌شان؛ یعنی تقوا و پاکدامنی و نیز روحیه یادگیری و یاددهی را تا آخر عمرش حفظ نمود و در این راه سختی‌ها و مشقت‌های فراوانی را متحمل شد. او، بخاطر همکاری نکردن و یا همراه نشدن با دستگاه فاسد حکومت در زمان امپراطوری عثمانی، که اکثرشان مبتلا به فساد اخلاقی و دینی بودند بارها مورد بی‌مهری و آزار و اذیت قرار گرفت و از شهری به شهر دیگر تبعید شد؛ اما لحظه‌ای دست از مبارزه علیه ظلم و فساد برنداشت (سعید سمو، ۲۰۰۸، ۷۳).

یکی دیگر از ویژگی‌های مهم روحی سعید نرسی مبارزه با فقر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بود، او، برای ریشه‌کن کردن فقر فرهنگی و زدودن جهل و بی‌سوادی از جامعه تنها بود و کسی با وی همکاری نمی‌کرد. او، مجبور بود به تنهایی شاگرد تربیت کند و همیشه برای تدریس از شهری به شهر دیگر می‌رفت و سعی



می کرد نظام آموزش سنتی را اصلاح کند و در کنار آموزش علوم قدیم، علوم جدید را نیز به مردم آموزش بدهد. وی، معتقد بود که مسلمانان باید در کنار علوم دینی و اسلامی از علوم دیگر نیز آگاهی داشته باشند تا بتوانند از این طریق مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشور را بر طرف کنند. در واقع، او، ریشه مشکلات اجتماعی و اقتصادی جامعه را در فرهنگ جامعه می دانست و از این رو، راه حل مشکلات را در تعلیم و تربیت می دانست و در این راه از هیچ کوششی دریغ نکرد. او، در همین راستا، سعی نمود دانشگاهی در شهر وان مثل دانشگاه الازهر مصر بنام «مدرسه الزهرا» تأسیس کند تا بتواند به آرزوهای علمی خود جامه عمل بپوشاند و از این رهگذر مشکلات جامعه را حل نماید.

### ج: ابعاد زندگی اجتماعی و سیاسی نوری

سعید نوری، در زمانه و شرایطی زندگی می کرد که از یک سو، اوج فترت و ضعف امپراطوری عثمانی بود و از دیگر سو، اوج قدرت و سیطره تکنولوژی، اقتصادی و نظامی اروپائیان و دخالت های زهر آگین و ویران کننده آنها در امور داخلی مسلمانان و امپراطوری عثمانی بود. در واقع، او، در شرایط بحرانی جامعه اسلامی زندگی می کرد که از یک طرف، مسلمانان و در رأس آنها امپراطور و حاکمان از دین، اخلاق، مدارا و انسانیت فاصله گرفته بودند و از دیگر طرف، کشورهای اروپایی و مسیحی کمر بسته بودند تا اسلام و آثار آن را از روی زمین محو کنند (أبو حلیوه، ۲۰۱۰، ۲۱). چنانچه گلا دستون نخست وزیر وقت انگلیس در مجلس عوام آن کشور قرآن را روی دست گرفته خطاب به مردم و نمایندگان آن کشور گفت بود: «تازمانی که این قرآن در دست مسلمانان باشد، ما نمی توانیم بر آنها حکومت کنیم، لذا ناچاریم این قرآن را از بین برده یا این که رابطه مسلمانان را با آن قطع کنیم» (الکوسوفی، ۲۰۰۴، ۱۷).

سعید نوری، در چنین شرایطی به عنوان عالم دینی وظیفه خود می دانست که باتمام توان از اسلام و قرآن دفاع کند و با خود عهد می کند کاری کند که هیچ توفان سهمگینی نتواند نور قرآن را خاموش نماید. سعید، در راستای این تعهدش میان مردم



سخنرانی می‌کرد، آنها را به علم و آموزش ترغیب و تشویق می‌نمود و به آنها پند و اندرزهای حکیمانه می‌نمود که در نتیجه، موجب شهرت و محبوبیت او میان مردم شد. او، در کنار سخنرانی‌های اجتماعی تلاش‌های فراوان علمی و نوشتاری نیز داشته است و در روزنامه‌ها مقاله و مطالب چاپ می‌کند و کتاب می‌نویسد. او، در همه تلاشهای اجتماعی و علمی چه به صورت نوشتاری و چه به صورت گفتاری، مردم مسلمان را به اتحاد، برادری و برابری دعوت و به دوری از نفاق، فساد و بی‌بندباری فراخوانده است. چنانچه در مقاله که در روزنامه (همبستگی و پیشرفت‌گردد) در سال ۱۹۰۸ چاپ نمود، نوشت: «گردها سه گنجینه گران بها دارد که نیاز به محافظت و نگهداری دارند که عبارتند از: (۱) اسلام، (۲) گوهر انسانیت (۳) و ملیت؛ اما سه چیز هست که مانع محافظت از این گنجینه بزرگ می‌گردند؛ که عبارتند از: (۱) فقر، (۲) جهل (۳) و نفاق و اختلاف». نوری به مردم‌گردد توصیه می‌کرد که قدرت در سایه همکاری با سایر اقوام مسلمان بدست می‌آید، و هم چنین می‌فرمود: زندگی باوحدت شکوفا می‌شود، و خوشبختی همراه با برادری است (نیسانسی، ۲۰۱۵، ۲۹۲-۲۹۱).

نوری، عملا سعی می‌کرد تا اختلاف و نزاع میان مردم را برطرف کند. چنانچه مصالحه و حل اختلاف و نزاع عشایر را به مدت طولانی از طرف حسن پاشا به عهده داشت و مردم عشایر اعتماد کامل به ایشان داشتند و هر نزاع و اختلاف را به ایشان ارجاع می‌دادند و قضاوت‌های ایشان را باجان و دل پذیرا بودند (الکوسوفی، ۲۰۰۴، ۱۴).

سعید نوری، افزون بر فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی، وارد فعالیت‌های سیاسی و نظامی نیز می‌شود. او، زمانی که احساس می‌کند اسلام و امپراطوری اسلامی نیاز به حمایت و دفاع دارد اسلحه بر می‌دارد و در مقابل دشمنان اسلام می‌جنگد و در این راه در جنگ جهانی اول به مدت دو سال و چهار ماه در کشور روسیه اسیر و زندانی



بوده است (سعید سمو، ۲۰۰۸، ۹۶-۹۷). هم چنین، ایشان، به شدت اشغال استانبول توسط انگلیس را مورد حمله قرار می‌دهد. (یاووز، ۲۰۰۳، ۱۵۴).

### د: مبارزات دو وجهی نرسی

صاحب نظران، کلیه تلاش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی که سعید نرسی معروف به «بدیع الزمان» در فرایند حیات تاریخ مبارزاتی خود از سر گذرانده است را به دو دروه اساسی تقسیم و دسته‌بندی کرده‌اند: دوره قدیم و دوره جدید:

**دوره قدیم:** این دوره از زندگی نرسی که دوره آغازین زندگی اجتماعی است، دوره‌ای است توأم باضعف، فساد، ظلم و استبداد، اختلافات قومی و قبیله‌ای، فقر و تنگ‌دستی مردم در زمان حکومت عثمانیان بود، که منجر به سقوط و نابودی سلطنت عثمانیان شد. نرسی، در این دوره با درک زمان و شرایط جامعه خود، با تمام توان بعد از آموختن؛ به آموزش و تربیت شاگرد همت می‌گمارد، در مبارزات سیاسی، فرهنگی، علمی و تبلیغی به صورت بسیار فعال اشتراک می‌ورزد و بسیار خوش می‌درخشد و موفق می‌باشد. وی بخاطر علم، تقوا و صداقت میان مردم بسیار محبوب و مورد احترام بود. شخصیت کاریزمایی بدیع الزمان نرسی باعث شده بود که مردم در امور سیاسی، فرهنگی و جهادی از وی پیروی کنند. چنانچه اشاره شد وی در مبارزه علیه روسها شرکت داشت و توانست در مدت کوتاهی صدها نفر را باخود همراه نماید و شاگردانش در رأس این گروه مبارز بودند (یاووز، ۲۰۰۳، ۱۵۲).

**دوره جدید:** این دوره از زندگی بدیع الزمان همراه بود با رشد ملی‌گرایی، قدرت یافتن آتاترک، تبلیغ بی‌دینی، رشد سکولاریزم و بالاخره طرد و زدودن دین و مظاهر دینی از زندگی مردم. ایشان، بخاطر احساس خطری که در مورد دین و شریعت اسلامی می‌کند بیشتر به تفسیر قرآن و تربیت شاگرد همت می‌گمارد و در مقابل ظلم و آزارهای دولت لائیک آتاترک تسلیم نمی‌شود. وی تصمیم می‌گیرد به عهد که باخودش در مورد قرآن نموده بود، عمل کند و دست از مبارزه سیاسی و جهادی علیه هم وطنانش (آتاترک و همکارانش) بردارد و مبارزه فرهنگی را با تمام توان ادامه



دهد. وی در این دوره صدها شاگرد تربیت می کند و کتاب معروف خود «رسائل النور» را تکمیل می کند. هرچند بارها به خاطر این مسئله به زندان افتاد و بارها از مکانی به مکان دیگر تبعید شد؛ اما دست از نوشتن و تربیت شاگرد بر نمی دارد و برای که این اثر ارزشمند از گزند نابودی ایمن باشد مخفیانه از طریق شاگردانش آن را میان مردم پخش و تکثیر می کند (فکری و اینانلو، ۱۳۹۲). به این ترتیب نوری و پیروانش شهرت و محبوبیتش میان مردم چند برابر می شود. اما دولت و ایادیش از او متنفرند. به طور خلاصه، بدیع الزمان، که فرد فقیه، فیلسوف و عالم وارسته و متعهد به دین و در عین حال آگاه به زمان و شرایط جامعه خویش بود، به تناسب اقتضاء زمان حرکت و فعالیت می کرده است و چنانکه بیان شد، در هر شرایط جنبه‌ای از فعالیت اجتماعی او برجسته‌تر از جنبه‌های دیگر بوده است. همین امر موجب محبوبت او در میان مردم مسلمان ترکیه شده و مردم با جان و دل پذیرای او بودند تا آنجا که جریانی به نام نورجیها شکل گرفت.

## ۸. نورجیها

گروه «نورجیها»، پیروان و شاگردان سعید نوری بودند. نورجیها، در زمان حیات نوری بر طبق تعلیمات و دستورات او، که بر طبق آموزه‌های اسلام و قرآن بودند، عمل می کردند و به رهبری او، به تبلیغ و ترویج اسلام می پرداختند. اما بعد از مرگ وی و قطع ارتباط مستقیم با پیر و مرادشان، متون و تعلیمات به جا مانده مخصوصاً متن «رسائل النور» چراغ راه آنها برای تبلیغ و ترویج اسلام میان مردم بود. شاگردان و پیروان نوری تا توانستند این متون را میان مردم تکثیر و پخش کردند، تا همه مردم به آن دسترسی داشته باشند (میر احمدی، ۱۳۹۶).

به این طریق گروه نورجی به قدرت‌مندترین و کارآمدترین گروه و افراد در جامعه سیاسی و اجتماعی ترکیه معاصر تبدیل می شود. آثار نوری، بویژه بزرگترین اثر او «کلیات رسائل نور» پایه‌های این جنبش دینی و ایمانی را شکل می دهد. کار

نورسی گفتمان سیاسی اسلامی را به طور غیر قابل حذف، با ایده‌های اصلی برای پرداختن به مشکلات سیاسی و اجتماعی مشخص نمود. با مطالعه رسائل النور می‌توان پویای دین را درک کرد؛ زیرا از یک سو دولت و از دیگر سو، مدرنیته و هویت اسلامی مورد توجه و ارزیابی است. پویایی جنبش نورجی به عنوان یک جنبش اجتماعی ریشه در شبکه‌های رسانه‌ی، آموزشی، تجاری و انتشاراتی آن دارد. متن نوشته‌های نورسی به عنوان پایه فکری این جنبش را منحصر به فرد نموده است. از زمان مرگ نورسی (۱۹۶۰) هیچ فردی نتوانسته است جای وی را بگیرد و جنبش حول محور نوشته‌ها و اندیشه‌های او، باقی مانده است (یاووز، ۲۰۰۳، ۱۵۱). جنبش نورجی، بعد از مرگ نورسی، و بخاطر فضای نسبتاً باز سیاسی فعالیت‌های خود را گسترش دادند و به تفسیر و ترویج آرا و افکار رهبر فقیدشان همت گماشتند. پیروان سعید نورسی بعد از دهه هفتاد میلادی جزء گروه‌های معروف و فعال کشور ترکیه بودند که سایر احزاب و گروه‌های سیاسی و فرهنگی برای رسیدن به قدرت مجبور بودند که با آنها تعامل و همکاری داشته باشند تا بتوانند آرای لازم جهت موفقیت در امور سیاسی را داشته باشند.

گروه نورجی به شاخه‌های متعدد منشعب شد و بعضی‌شان فعالیت‌های سیاسی نیز دارند. اما بزرگترین گروه و شاخه آن به رهبری «فتح الله گولن» باهمکاری تجار، دانشمندان، دانشجویان و ... فعالیت بسیار وسیع فرهنگی اجتماعی، در قالب تأسیس مدرسه، دانشگاه، خوابگاه دانشجویی مجانی برای دانشجویان به تبلیغ و ترویج اسلام می‌پردازند. در کنار این فعالیت‌ها، صنعت گران و بازرگانان برای ترویج افکار دینی گولن که برگرفته از تعالیم نورسی است، شرکت‌ها و روزنامه‌های تأسیس کردند که هدف اصلی آنها تبلیغ و ترویج اسلام و مبارزه فرهنگی می‌باشد؛ یعنی همان راه و رویکردی که نورسی در دوره دوم حیات‌شان آن انتخاب کرد و بر اساس آن فعالیت می‌کرد. جنبش فتح الله گولن هم اکنون در بیش از (۱۵۰) کشور دنیا فعالیت فرهنگی و تبلیغی دارند. در سال (۲۰۱۲) مجله تایم نام فتح الله گولن را در میان صد چهره اثر



گذار دنیا گنجانند (هاشمی و اختیاری، ۱۳۹۷). همین امر، نشان‌دهنده گسترش جنبش نورجی است که نه تنها در ترکیه بلکه در سایر نقاط جهان نیز فعالیت دینی و مذهبی دارند و برای احیاء و ترویج فرهنگ اسلام تلاش‌های فراوان داشته و دارند. علت موفقیت و محبوبیت جنبش نورجی عمل کردن به دستورات بدیع الزمان سعید نورسی است که منشاء قرانی و دینی دارد و این مسئله بر پویایی و زنده بودن راه این جنبش تأثیر فراوانی داشته است (محمدی و رودگر، ۱۳۹۸، ۵۹-۷۹).

## ۹. نتیجه‌گیری

در این مقاله نقش گروه «نورجیها»، به عنوان یکی از جریان‌های مهم فرهنگی جهان اسلام، با روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار گرفت. براساس این تحقیق، می‌توان موارد زیر را از عمده‌ترین و روشن‌ترین نتایج این تحقیق برشمرد:

الف: جریان «نورجیها»، از ریشه‌دارترین و اصیل‌ترین گروه‌هایی اسلام‌گرای جهان اسلام در کشور ترکیه و حتی بین‌الملل می‌باشد؛ زیرا، اعضای این گروه را شاگردان و پیروان «سعید نورسی» معروف به «بدیع الزمان» تشکیل می‌دهد. این درحالی است که خود او، یکی از شیوخ اصلی طریقت «نقشبندیه» و تربیت شده این طریقت بوده است و هم‌اکنون او و پیروانش یکی از شاخه‌های اصلی آن شمرده می‌شود. گروه طریقت نقشبندیه، یک جریان صوفی مسلک اسلامی است که بر دستورات قرآن و شریعت اسلامی پای‌بند بوده و از ویژگی‌های اصلی آن تأکید و عمل بر اصول امر به معروف، نهی از منکر و جهاد در راه خدا می‌باشد. نام این جریان، برگرفته از نام خواجه بهاء‌الدین نقشبند متوفی (۷۹۱)، می‌باشد.

ب: جریان و گروه نورجیهای ترکیه، همواره یکی از قدرتمندترین و مؤثرترین گروه‌های فرهنگی و سیاسی در ترکیه بوده است. یکی از دلایل عمده آن این بوده است که این گروه بر خلاف برخی گروه‌های اسلامی دیگر، همواره مستقل بوده و بدون هیچ‌گونه وابستگی به دولت و حتی سلاطین عثمانی و با یک زندگی بسیار ساده



و معنوی، به انجام وظایف دینی و اسلامی خود می‌پرداخته است و از این رو، حکومت نتوانست آنها را همانند برخی دیگر از گروه‌های اسلامی مجبور به اطاعت از راهبردهای دولت نماید. دلیل عمده دیگر آن این بوده است که اعضای آن و به خصوص سعید نوری به عنوان رهبری گروه دارای خصوصیات روحی و روانی؛ مانند: ایمان، تقوا، شجاعت و ظلم‌ستیزی و ... بودند و همواره بدون ترس به وظایف دینی خود عمل می‌کردند. در نتیجه، این گروه مورد اعتماد مردم بوده و از قدرت و نفوذ بالایی برخوردار بوده‌اند؛ به نحوی که مردم با جان و دل از رهنمودها و دستورات‌شان پیروی می‌کردند و همین امر اقتدار امپراطور و دولت را به چالش می‌کشید.

ج: سعید نوری، رهبر گروه نورجیها، در کنار برخورداری از استعداد و نبوغ ذهنی، همیشه سعی داشت چیزهای جدید یاد بگیرد. ترکیب این دو مؤلفه موجب شده بود که او بتواند در هجده سالگی به مرحله اجتهاد در علوم دینی برسد و بر علوم جدید تسلط کامل پیدا کند و در نتیجه از او یک انسان متعهد و متخصص بسازد. ترکیب تعهد دینی و تخصص علمی، در وجود نوری، موجب شد که مسائل اصلی جامعه خویش را درک کند؛ که از نظر او عبارتند از: (۱) فقر، (۲) جهل (۳) و نفاق و اختلاف. نهایتاً او، ریشه مشکلات اجتماعی و اقتصادی جامعه را در فرهنگ جامعه می‌دانست و از این رو، راه حل مشکلات را در تعلیم و تربیت می‌دانست و در این راه از هیچ کوششی دریغ نکرد و با تمام مشکلات، صدها شاگرد تربیت کرد، البته، در این عرصه نظر اصلاحی داشت و مردم را به علوم دینی و علوم جدید تشویق می‌کرد و بر همین اساس تعلیم می‌داد. او، حتی در همین راستا، تلاش نمود دانشگاهی در شهر وان مثل دانشگاه الازهر مصر بنام «مدرسه الزهرا» تأسیس کند تا بتواند به آرزوهای علمی خود جامعه عمل پیوشاند و از این رهگذر مشکلات جامعه را حل نماید.

د: وفاداری به اسلام، قرآن و شریعت، یکی دیگر از ویژگی جریان نورجیها به رهبری نوری است. رهبری این گروه، زمانی که احساس خطر می‌کند اسلام و



امپراطوری اسلامی نیاز به حمایت و دفاع دارد اسلحه بر می‌دارد و در مقابل دشمنان اسلام می‌جنگد و در این راه در جنگ جهانی اول به مدت دو سال و چهار ماه در کشور روسیه اسیر و زندانی بوده است، هم‌چنین، ایشان، زمانی که اشغال استانبول توسط انگلیس را مشاهده می‌کند، بی‌درنگ به مبارزه می‌پردازد و در این راستا با چاپ مقاله‌ی با عنوان «شش قدم» در روزنامه‌ها افکار مذهبی را علیه انگلیس و به حمایت از جنبش ملی به رهبری آتاترک بسیج می‌کند. هم‌چنین ایشان، بخاطر احساس خطری که در مورد دین و شریعت اسلامی از سوی آتاترک می‌کند؛ نه تنها دست از حمایت او بر می‌دارد، بلکه در مقابل ظلم و آزارهای دولت لائیک آتاترک دست به مبارزه می‌زند. البته، از این دوره به بعد دست از مبارزه سیاسی و جهادی علیه هم و وطنانش (آتاترک و همکارانش) بر می‌دارد؛ اما مبارزه فرهنگی را با تمام توان ادامه می‌دهد. وی در این دوره صدها شاگرد تربیت می‌کند و کتاب معروف خود «رسائل النور» را تکمیل می‌کند. به این ترتیب پایه‌گذار جنبش دینی و ایمانی به نام نورجیها می‌شود.

و: جنبش نورجیها، در زمان حیات نوری بر طبق تعلیمات و دستورات او، که بر طبق آموزه‌های اسلام و قرآن بودند، عمل می‌کردند و به رهبری او، به تبلیغ و ترویج اسلام می‌پرداختند. اما بعد از مرگ وی، متون و تعلیمات به جا مانده مخصوصاً متن «رسائل النور» را چراغ راه خویش قرار داده و در شعاع آن به تبلیغ و ترویج اسلام میان مردم پرداختند و از همین رو، پیروان نوری تا توانستند این متون را میان مردم تکریر و پخش کردند، تا همه مردم به آن دسترسی داشته باشند. این جنبش، پس از دهه هفتاد میلادی به قدرت‌مندترین و کارآمدترین گروه و افراد در جامعه سیاسی و اجتماعی ترکیه تبدیل شد. دلیل اصلی آن این بود که آثار بنیانگذار جنبش، گفتمان سیاسی اسلامی را به طور غیر قابل حذف، با ایده‌های اصلی برای پرداختن به مشکلات سیاسی و اجتماعی مشخص نموده بود و تأکید و عمل رهروان رهبری پس از مرگ وی بر این گفتمان به آنها قدرت بخشیده و موجب گسترش شان گردید.

ه: گروه نورجیها، در ادامه حیات تاریخی خود به شاخه‌های متعددی منشعب شد؛ اما بزرگترین شاخه آن گروهی به رهبری «فتح الله گولن» است که با همکاری بازرگانان، دانشمندان، دانشجویان و ... فعالیت بسیار وسیع فرهنگی اجتماعی، در قالب تأسیس مدرسه، دانشگاه، خوابگاه دانشجویی مجانی برای دانشجویان دارند. افکار گولن، برگرفته از تعالیم نوری است و هدف اصلی از آنها تبلیغ و ترویج اسلام از طریق مبارزه فرهنگی می‌باشد. جنبش فتح الله گولن هم‌اکنون در بیش از (۱۵۰) کشور دنیا فعالیت فرهنگی و تبلیغی دارند و در سال (۲۰۱۲) مجله تایم، نام او را در میان صد چهره اثر گذار دنیا گنجانده است.

## منابع و مأخذ

### کتاب

- ۱- احمد یاقی، اسماعیل، (۱۳۸۵)، **دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال**، ترجمه: رسول جعفریان، چاپ سوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۲- ابوالقاسمی، محمد جواد و اردوش حسین، (۱۳۷۸)، **ترکیه در یک نگاه**، چاپ اول، تهران: انتشارات بین المللی الهدی.
- ۳- ابوخلیوه، ابراهیم سلیم، (۲۰۱۰)، **بداية الزمان سعيد النورسي و تحديات عصره**، الطبعة الأولى، بريت، الناشر، مركز الحضارة لتنمية الفكر الإسلامي.
- ۴- ابوك، كريس (۱۳۸۴)، **ترکیه**، ترجمه: مهسا خلیلی، چاپ اول، تهران: انتشارات ققنوس.
- ۵- استانفورد، جی شاو، ازل کورال شاو، (۱۳۷۰)، **تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید ۲**، ترجمه: محمود رمضان زاده، چاپ اول، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.



- ۶- الكوسوفى بكر اسماعيل، (۲۰۰۴)، الامام بديع الزمان سعيد النورسى  
و أثره فى الفكر الإسلامى، الطبعة الاولى، قاهره، الناشر، مؤسسه آلبا برس.
- ۷- انتخابى، نادر، (۱۳۹۲)، دين، دولت و تجدد در تركيه، چاپ اول،  
تهران: انتشارات هرمس.
- ۸- بابر، نوئل، (۱۳۹۱)، فرمانروايان شاخ زرین، ترجمه: هوشنگ مهدوى  
عبدالرضا، چاپ سوم، تهران: نشر قطره.
- ۹- جى شاو استانفورد، ازل كورال شاو، (۱۳۷۰)، تاريخ امپراتورى عثمانى  
و تركيه جديد ۲، ترجمه: رمضان زاده محمود، چاپ اول، مشهد، انتشارات  
آستان قدس رضوى.
- ۱۰- حقى، اسماعيل، چارشلى اوزون، (۱۳۸۰)، تاريخ عثمانى، ترجمه:  
ولى وهاب، جلد ۱، چاپ اول، تهران: انتشارات، پژوهشگاه علوم انسانی و  
مطالعات فرهنگى.
- ۱۱- حيدر زاده نائينى، محمد رضا، تعامل دين و دولت در تركيه،  
چاپ اول ۱۳۸۰، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۲- سعيد سمود، آزاد، (۲۰۰۸)، سعيد النورسى (حركته و مشروعه  
الاصلاحي فى تركيا)، الطبعة الاولى، دمشق، الناشر، دارالزمان للطباعة  
والنشر والتوزيع.
- ۱۳- سلجوقيان، شكر محمد، (۱۳۸۵)، شكست بيزانس در هلازگرد  
و گسترش اسلام در آناتولى، ترجمه: نصرالله صالحى و على ارطغرل،  
چاپ اول، قم، نشر اديان.



۱۴- شمس الدين نجم، زين العابدين، (۲۰۱۰)، تاريخ الدولة

العثمانية، چاپ اول، عمان، انتشارات، دارالمسيرة للنشر والتوزيع و الطباعة.

۱۵- عويس، عبدالحليم، (۲۰۰۳)، رجل الايمان والتجديد في وجه

العلمانية و التقليد بديع الزمان سعيد النورسي، الطبعة الاولى، قاهره،

الناشر، شرکه سوزلر للنشر.

۱۶- مانگو، آندرو، (۱۳۹۴)، آتاتورک، ترجمه: دهقان هوشمند، چاپ

اول، تهران: انتشارات پیام روز.

۱۷- مراديان، محسن، (۱۳۸۵)، برآورد استراتژيک ترکیه

(سوزميني - دفاعي - اقتصادي - اجتماعي)، چاپ اول، تهران:

انتشارات مؤسسه فرهنگي مطالعات و تحقيقات بين المللي ابرار معاصر تهران.

۱۸- نجم، شمس الدين، زين العابدين، (۲۰۱۰)، تاريخ الدولة

العثمانية، چاپ اول، عمان: دارالمسيرة للنشر والتوزيع و الطباعة.

۱۹- واحده، شکران، (۲۰۰۷)، الإسلام في ترکیه الحديثه بديع

الزمان النورسي، قاهره، الناشر، سولرز للنشر والتوزيع.

#### مقاله

۱- پورمحمدی املشی، نصرالله، محمدی رضا، محمدی عسکر، (۱۳۹۴)،

«تعمیرات فرهنگی در دوره آتاتورک و رضا»، فصلنامه تاریخ روابط

خارجی، سال شانزدهم، شماره ۶۴، ص ۱۱۷-۹۹.



- ۲- فکری، محمد، احمد فکری و مینا اینانلو، (۱۳۹۲)، **بررسی جامعه‌شناختی جنبش فتح‌الله گولن بر مبنای نظریه بسیج منابع**، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره هفتم، شماره ۳ پاییز.
- ۳- قدیمی قیداری، عباس و شهناز جنگجو قولنجی، (۱۳۹۲)، «**مصطفی کمال آتاتورک و انجلال خلافت**»، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، شماره ۱۳، ص.
- ۴- آتام تورگوت و مهدوی محمد حسن، (۱۳۹۳)، **تجول دینی - اجتماعی در ترکیه عصر مصطفی کمال آتاتورک**، دو فصل نامه علمی-پژوهشی مطالعات تاریخی جهان اسلام سال دوم، شماره ۴ پاییز و زمستان، صفحات ۱۲۳-۱۴۵.
- ۵- محمدی فرزاد و محمد رودگر، (۱۳۹۸)، **تأثیر عرفان نورسی بر اسلام اجتماعی ترکیه با محوریت اندیشه‌های فتح‌الله گولن**، مجله، جستارهای سیاسی معاصر، سال دهم، شماره سوم، پاییز.
- ۶- میر احمدی، منصور و محمد هادی احمدی، (۱۳۹۶)، **حکومت داری در اندیشه سیاسی سعید نورسی و تأثیر آن بر اسلامگرایی معاصر ترکیه**، مجله علوم سیاسی، سال بیستم، شماره هشتاد، زمستان.
- ۷- نادرزاده، شعیب، (۱۳۹۳)، **جایگاه تصوف در روند قدرت‌گیری عثمانی**، مجله مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، سال نهم شماره ۳۵، بهار.



۸- هاشمی، سید عباس و مهدی اختیاری میاب، (۱۳۹۷)، **علم و دلایل شکل**

**گیری، تداوم و گسترش جنبش گولن**، دوفصلنامه علمی - پژوهشی

جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۶، شماره ۱، بهار و تابستان.

#### منابع انگلیسی

- 1- Lewis Bernard, *the emergence of modern Turkey*, second edition 1968, London, oxford university press.
- 2- Landau Jacob M, *Pan-Islam history and politics*, first published in 1990, London, Clarendon press Oxford.
- 3- Calabro Alessio, *Neo-Pan-islamism in Turkey: foreign policy discourse of Turkey's Islamist thinkers and parties (1970s-1990s)*, Luiss Guido Carli (2014-2017).
- 4- Yavuz M.Hakan, *Islamic political identity in turkey*, Oxford University press 2003.
- 5- Nisanci Zubeyir, *The Dialectics of Secularism and Revivalism in Turkey: The Case of Said Nursi*, 2015, Chicago, Loyola University.



